
مقایسه الگوی مشاوره پیش از ازدواج در ازدواج‌های فامیلی و غیرفامیلی بر اساس کاوش نشانه‌های طلاق در اولین دوره‌های انتقالی زندگی (آشنایی، نامزدی و عقد)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۵/۲۹

عزت الله ملک پور افشار

دانشجوی دکتری مشاوره، گروه روانشناسی و مشاوره، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران
malekpoorafshar@yahoo.com

مهین عسکری

(نویسنده مسئول) دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران - mahinask2005@yahoo.com

امیر سلطانی نژاد

استاد مدعو در دانشگاه آزاد اسلامی کرمان و دانشگاه فرهنگیان، پردیس خواجه نصیر کرمان -
amirsoltan59@gmail.com

سهیلا جوکار

استادیار، گروه ریاضی، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران - soheilajokar2007@yahoo.com

چکیده

ازدواج موفق نقش بنیادینی در تشکیل خانواده سالم ایفا می‌کند و میزان موفقیت و سلامت آن در ازدواج‌های فامیلی و غیرفامیلی متفاوت است. هدف پژوهش حاضر مقایسه الگوی مشاوره پیش از ازدواج در زوج‌های فامیلی و غیرفامیلی در دوره‌های آشنایی، نامزدی و عقد است. این پژوهش به لحاظ هدف، بنیادی و کاربردی و به لحاظ ماهیت داده‌ها از نوع کیفی است و با روش داده بنیاد انجام شده است. آزمودنی‌ها با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد و مصاحبه نیمه ساختاریافته با پانزده زوج فامیلی و پانزده زوج غیرفامیلی با کمتر از پنج سال زندگی مشترک صورت گرفت. مصاحبه‌ها از روش کیفی استراوس و کوربین تحلیل شدند و با استفاده از روش کدگذاری باز، محوری، گزینشی، مقوله‌ها استخراج و به طراحی الگوی پارادایمی به صورت مقایسه‌ای اقدام شد.

بر اساس نتایج این پژوهش، الگوی مشاوره پیشگیری از ازدواج‌های آسیب‌پذیر در برابر طلاق، ماهیتی پیشگیرانه و استحکام‌بخش برای زندگی زوج‌های در شرف ازدواج دارد و راهنمایی مناسب برای مشاوران ازدواج است که به دانش‌ها و مهارت‌هایی دست یابند و با شناسایی تعارض‌های فرایند انتقالی که استحکام زندگی را تهدید می‌کند، به حفظ و بهبود رابطه زوجین در زمان تأهل یاری رسانند.

واژگان کلیدی:

مشاوره پیش از ازدواج، ازدواج‌های فامیلی، ازدواج‌های غیرفامیلی، طلاق، دوره انتقالی زندگی.

مقدمه

مرحله ازدواج و تشکیل خانواده یک سنت الهی و یک نیاز فردی در وجود بشر است. بشر از آغاز آفرینش به منظور تشکیل خانواده و بقای نسل، ازدواج کرده است (ر.ک: دواتی و همکاران، ۱۳۸۸). حاصل یک ازدواج موفق عشق، ارتباط خوب، تعهد، تفاهم، مراقبت از یکدیگر و با هم بودن است (ر.ک: درخش و همکاران، ۱۳۹۸). در حال حاضر اوضاع خانواده در ایران، دورانی بحرانی را پشت سر می‌گذارد. در کلان‌شهری همچون تهران، متوسط ازدواج در چهار سال نخست ازدواج به طلاق می‌انجامد و متأسفانه این آمار رو به افزایش است؛ اما این گونه نیست که در شهرهای دیگر با آسیب اجتماعی مواجه نباشیم. افزون بر طلاق، مسئله آشفتنگی‌های ادامه‌دار و به سخن دیگر طلاق‌های عاطفی در خانواده نیز وجود دارد (ر.ک: گلزاری و کمان، ۱۳۹۴)؛ اما از مهم‌ترین نگرانی‌های والدین، ازدواج فرزندان با فرد مناسب است که عده‌ای ازدواج با خویشاوند و گروهی ازدواج با غیرخویشاوند را ترجیح می‌دهند.

ازدواج فامیلی به ازدواجی گفته می‌شود که بین زن و مردی با نیای مشترک صورت می‌گیرد (ر.ک: اسلام^۱ و همکاران، ۲۰۱۸م). شیوع این نوع ازدواج بسته به مذهب، فرهنگ و شرایط اقتصادی و اجتماعی، همین‌طور گستره جغرافیایی، به طور چشمگیری از جمعیتی به جمعیت دیگر تفاوت دارد. میزان شیوع آن در اروپای غربی، آمریکای شمالی،

1. Islam.

استرالیا و روسیه کمتر از ۱ درصد، در ژاپن و آمریکای جنوبی ۱-۲۰ درصد و در آفریقای شمالی و خاورمیانه ۲۰-۵۰ درصد است (ر.ک: بیتلز،^۱ ۲۰۰۱م). بنا بر یک باور عمومی، ازدواج‌های فامیلی یا درون‌خانوادگی^۲ مشکلات مالی و پنهان‌کاری‌های مرتبط با سلامتی را کاهش می‌دهد، پیوندهای خانوادگی را تقویت می‌کند و به تحکیم خانواده می‌انجامد (ر.ک: ساندریج^۳ و همکاران، ۲۰۱۰م). در این نوع از ازدواج‌ها، گفت‌وگو در مورد مسائل مالی پیش از ازدواج رسمی، آسان‌تر صورت می‌گیرد و زوجین با چالش‌های خاصی روبه‌رو نیستند (ر.ک: بیتلز، ۲۰۰۱م/همامی^۴ و بیتلز، ۲۰۰۹م). از همین رو در کشورهای خاورمیانه به‌ویژه در جوامع مسلمان، نگرش‌هایی مثبت و پذیرفتنی به ازدواج فامیلی وجود دارد؛ حتی با وجود اثرات منفی که چنین ازدواج‌هایی بر فرزندان به جا می‌گذارد، افراد به دلیل مزایای اجتماعی و اقتصادی بسیاری که این نوع از ازدواج به همراه دارند، از اثرات منفی آن چشم‌پوشی می‌کنند (ر.ک: ماژاروال اسلام،^۵ ۲۰۱۷م).

با وجود تمام مسائلی که در خصوص این ازدواج‌ها گزارش شده است؛ همچنین بروز خشم و انزجار اخلاقی که در برخی کشورهای اروپایی در برابر این ازدواج‌ها وجود دارد (ر.ک: همان/بانک،^۶ ۲۰۱۷م/آنتوفلوک^۷ و همکاران، ۲۰۱۴م)، برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند چنین ازدواج‌هایی در ایران با اقبال روبه‌رو بوده است؛ اما به نظر می‌رسد در این زمینه، پژوهش‌های درخوری صورت نگرفته و اندک پژوهش‌های صورت گرفته نیز مطالب چندانی در مورد فرایند چنین ازدواج‌هایی به دست نمی‌دهند (ر.ک: دواتی و همکاران، ۱۳۸۸/امراللهی و همکاران، ۱۳۸۷).

در هر صورت ازدواج‌ها - چه از نوع فامیلی و چه از نوع غیرفامیلی - همواره فرجام خوشایندی ندارند و گاهی اوقات ازدواج از سوی برخی عوامل بیرونی و درونی تهدید

1. Bittles.
2. Marrying Within the Family.
3. Sandridge.
4. Hamamy.
5. Mazharul Islam.
6. Buunk.
7. Antfolk.

می‌شود و افراد به صورت اجتناب‌ناپذیری به سمت طلاق^۱ پیش می‌روند (ر.ک: رالی^۲ و سوینی^۳، ۲۰۲۰م/ شرام^۴ و بچر^۵، ۲۰۲۰). طلاق یکی از بدترین رویدادهای زندگی افراد است که بر سلامت روان افراد تأثیر می‌گذارد و زندگی کودکان را دچار چالش می‌کند (ر.ک: اولمستد^۶ و همکاران، ۲۰۰۹م).

با وجود تمام چالش‌هایی که طلاق با خود به همراه می‌آورد، در ازدواج‌هایی با کیفیت پایین، مزایای ازدواج نسبت به طلاق کاهش می‌یابد و افراد ترجیح می‌دهند از چنین ازدواج‌هایی خارج شوند درحقیقت ازدواج‌های بد با به چالش کشیدن وضع بهداشت روان افراد و همین‌طور منابع زناشویی^۷، دردهای بسیاری ایجاد می‌کنند. چنین دردهای دیدگاه افراد به موانع ترک ازدواج را تغییر می‌دهند و باعث می‌شوند افراد طلاق را آسوده‌تر بپذیرند (ر.ک: براون^۸ و رایت^۹، ۲۰۱۷م/ برابوری^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۰م). از آنجایی که روابط پیش از ازدواج مبنایی برای روابط بعدی زوجین به شمار می‌رود (ر.ک: رحمتی^{۱۱} و بهرامی‌نژاد^{۱۲}، ۲۰۱۹م)، بررسی مشکلات و تعارضات ایجادشده در این دوران ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا با شناسایی و از بین بردن عوامل زمینه‌ساز تعارض زناشویی می‌توان به زوجین کمک کرد تا مبنای مناسب‌تری را برای رضایت و سازگاری زناشویی خود ترسیم کنند. همچنین می‌توان با آگاه کردن از نقش این رویدادهای تعارض‌ساز در روابط بعدی زوجین، از تأثیر منفی این روابط کاست. در این پژوهش، منظور از روابط پیش از ازدواج، فرایندهایی مانند آشنایی، نامزدی و عقد یا نکاح است که در نهایت به ازدواج می‌انجامد؛ هرچند قرار ملاقات‌های عاشقانه و روابط دوستانه‌ای هم که

-
1. Divorce.
 2. Raley.
 3. Sweeney.
 4. Schramm.
 5. Becher.
 6. Olmstead.
 7. The Marital Resources.
 8. Brown.
 9. Wriht.
 10. Bradbury.
 11. Rahmati.
 12. Bahrame-Nejad.

پیش از ازدواج وجود دارد، ممکن است به ازدواج بینجامد؛ اما در حیطه این پژوهش قرار نمی‌گیرند. افزون بر این در کشور ایران روابطی که پیش از ازدواج با نیت ازدواج آغاز می‌شود، معمولاً حمایت خانواده را به همراه دارد (ر.ک: خلج‌آبادی فراهانی^۱ و کلیند،^۲ ۲۰۱۵م). با توجه به این مطالب، پرسش اصلی پژوهش حاضر به این صورت مطرح می‌شود: بر اساس بررسی مقایسه‌ای الگوی مشاوره پیش از ازدواج در ازدواج‌های فامیلی و غیرفامیلی، عوامل مستعدکننده طلاق در زوج‌های فامیلی و غیرفامیلی در نخستین دوره‌های انتقالی (آشنایی، نامزدی، عقد) متقاضیان طلاق چیست؟

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و کاربردی و از نوع تحقیقات کیفی است که از رویکرد زمینه‌ای در آن استفاده شده است. در این پژوهش چندین گام دنبال شده: بررسی ادبیات پژوهش؛ مصاحبه با پانزده زوج متقاضی طلاق با ازدواج فامیلی و پانزده زوج با ازدواج غیرفامیلی دارای سابقه کمتر از پنج سال زندگی؛ سه‌سویه‌سازی اطلاعات و تدوین الگوی مشاوره پیش از ازدواج. روش مورداستفاده در مرحله مصاحبه با متقاضیان طلاق، روش کیفی بود. هدف پژوهش کیفی درک فرایندهای اجتماعی در بافت آنها و درک معنایی است که این رویدادها برای افراد دارند (ر.ک: استربرگ،^۳ ۲۰۰۲م). با این روش به درون تجربه افراد وارد شدیم و به دریافت نحوه ادراک، توصیف، احساس، قضاوت، خاطرات و گفت‌وگوی افراد با دیگران پرداختیم. در این روش، عناصر اساسی تجربه مشترک افراد شناسایی شد و رویکرد کیفی مورداستفاده در این روش، رویکرد زمینه‌ای بود که این روش برای مسائلی که محرمانه بودن زندگی خصوصی افراد در آن رعایت می‌شود، مناسب است. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود که به این دلیل انتخاب شد که به پژوهشگر اجازه می‌داد در صورت عرضه اطلاعاتی جدید از سوی مشارکت‌کنندگان، به دنبال کردن این اطلاعات پردازد. راهنمای مصاحبه با استفاده از سه مصاحبه ساختگی پیش‌آزمون‌شده بود. پیش از مصاحبه، هدف از مطالعه و سابقه پژوهشگر توضیح داده و موافقت افراد با مصاحبه گرفته شد. در ابتدای مصاحبه در ارتباط با محرمانه بودن اطلاعات

1. Khalajabadi Farahani.
2. Cleland.
3. Esterberg.

افراد اطلاع‌رسانی شد و اطلاعات دموگرافیک کامل دو گروه به وسیله پژوهشگر تکمیل می‌شد و به موازات فرایند مصاحبه، یافته‌ها تحلیل می‌شد و تعداد جلسات تا اشباع مقوله‌ها ادامه می‌یافت که در نهایت از هر گروه، پانزده زوج خواهان طلاق با کمتر از پنج سال زندگی مشترک، بررسی شدند با کدگذاری باز و کشف مؤلفه‌ها و مفاهیم، از طریق کدگذاری نظری یا انتخابی، یکپارچه کردن و پالایش نظریه صورت گرفت و با بهره‌گیری از مدل پارادایمی، نظریه‌مبنایی پدید، به وسیله زمینه‌ها و شرایط مداخله‌گر و شرایط علی، راهبرد و پیامدها به یکدیگر ارتباط داده شدند. در ارتباط با نمونه و روش نمونه‌گیری در مرحله مصاحبه با متقاضیان طلاق از نمونه‌گیری هدفمند و روش همگن استفاده شد که دارای ویژگی‌های مشابه بودند و تمایل به همکاری با پژوهشگر را داشتند که مصاحبه‌ها به تفکیک متقاضیان طلاق فامیلی و غیرفامیلی صورت می‌گرفت.

شیوه جمع‌آوری اطلاعات در مرحله مصاحبه با متقاضیان طلاق چنین بود که پژوهشگر با افرادی که ملاک‌های ورود به پژوهش را داشتند، گفت‌گو می‌کرد و محورهای مصاحبه با این افراد، تجربه‌های دوره‌های انتقالی (آشنایی، نامزدی و عقد)، ویژگی‌های خانوادگی، اوضاع اقتصادی، اجتماعی، نگرش‌ها، دوستان و شرایط تسهیل‌کننده طلاق، تعارض‌های زناشویی و شیوه‌های حل تعارض بود. درباره روش تجربه تحلیل داده‌ها در مرحله مصاحبه با متقاضیان طلاق نیز باید گفت مصاحبه‌های ضبط‌شده با جزئیات کامل توسط مصاحبه‌گر رونویسی شد و تحلیل داده‌ها با رویکرد زمینه‌ای به صورت کدگذاری باز و محوری و گزینشی انجام شد. کدگذاری باز به فرایند شکستن، اوراق کردن، بررسی، مقایسه، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی اطلاعات پرداخت (استراوس^۱ و کوربین^۲، ۱۹۹۸م، ص ۶۱). مصاحبه‌ها برای یافتن کلمات و عباراتی که پیوسته تکرار می‌شد، واژه‌به‌واژه بررسی شد. پس از اقدام پژوهشگر به کدگذاری باز دست‌نوشته‌ها، واژه‌ها و عبارات شناسایی شد و مقوله‌بندی درون موضوعات و خرده‌موضوعات به صورت گزینشی انجام شد که در استفاده از رویکرد زمینه‌ای، مفاهیمی را که پژوهشگر از پیش در ذهن خود داشت، متوقف کرد. کدگذاری گزینشی با ایجاد هسته مرکزی و ارتباط آن با مقوله‌های دیگر انجام گرفت. سه‌سویه‌سازی داده‌ها یا به عبارتی

1. Strauss.
2. Corbin.

مثلث‌سازی بخشی از فرایند گردآوری اطلاعات بود که در آن تلفیق دو یا چند روش یا منبع با هدف اعتباربخشی صورت گرفت. همچنین در ارتباط با گام‌های رسیدن به تدوین الگوها، افزون بر گام اول که مطالعه ادبیات پژوهش بود و گام دوم که مصاحبه با پانزده زوج متقاضی طلاق دو گروه که از سوی دادگاه خانواده برای مشاوره طلاق به «مرکز مشاوره اعتماد» ارجاع شده بودند، گام سوم تدوین الگوی مشاوره پیش از ازدواج به صورت مقایسه‌ای، با توجه به یافته‌های بخش کیفی (جاسازی اطلاعات کیفی) و دریافت تأیید استادان راهنما و مشاور بود. در این گام، متغیرهایی که باید در الگوی تدوین شده گنجانده شود، به ترتیب بر حسب عللی که بیشترین هم‌گرایی را داشتند، مدنظر قرار گرفت و در پایان به منظور تعیین قابلیت اطمینان و کفایت داده‌ها از چهار روش تلفیقی استفاده شد: ۱. کنترل و اعتباریابی توسط مصاحبه‌شونده‌ها که در این روش، مصاحبه‌های ضبط و ثبت شده در جلسات بعدی با مصاحبه‌شونده‌ها مطرح می‌شد تا مصاحبه‌گر از صحت اطلاعات ارائه‌شده اطمینان یابد. ۲. استفاده از نظارت مستمر استاد راهنما و استاد مشاور در این طرح. ۳. استفاده از نظارت دو نفر از همکاران متخصص با رشته تخصصی مشاوره خانواده با تجربه پژوهش‌های داده‌بنیاد به عنوان داور که در مراحل کدگذاری و استخراج گام به گام مقوله‌های پارادیم، بررسی و نظارت داشتند. ۴. مقایسه‌های تحلیلی و بازگشت‌های پیاپی به داده‌های خام تا ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود. همچنین با توجه به نوع پژوهش در انجام آن با محدودیت‌هایی روبه‌رو بودیم که مطالعه آنها به دیگر پژوهشگران و استفاده‌کنندگان از مقاله پیشنهاد می‌شود.

۱. با توجه به اینکه درصد بسیار بالایی از طلاق‌ها در پنج سال آغازین زندگی اتفاق می‌افتد و از سویی یادآوری تعارض‌های فرایند انتقالی در کوتاه‌مدت کامل‌تر است، به همین دلیل نمونه انتخابی با ازدواج کمتر از پنج سال انتخاب شد که مهم‌ترین محدودیت شناسایی نمونه با این شرایط بود که زمان طولانی صرف دستیابی به نمونه‌ها شد.

۲. پذیرفتن و مقاومت مراجعان برای اجازه دادن به ضبط اظهارات با توجه به بیان مسائل خاص و محرمانه زندگی با پژوهشگر.

۳. نیاز به زمان طولانی برای تبدیل فایل‌های صوتی به متن که با زبان عامیانه مصاحبه‌شونده گفته شده بود.

۴. بدبینی مصاحبه‌شونده به پژوهشگر که چرا عمیقاً وارد بحث جزئیات گذشته زندگی

ایشان می‌شود.

۵. طولانی شدن زمان مصاحبه با مصاحبه‌شونده به دلیل اینکه بخشی از اعتباریابی پژوهش با تطبیق برداشت پژوهشگر و اظهارات مصاحبه‌شونده به عمل می‌آمد.

یافته‌های تحقیق

در مجموع با پانزده زوج فامیل و پانزده زوج غیرفامیل مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد که ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان دو گروه به صورت مقایسه‌ای با تحلیلی مختصر در ادامه بیان شده است. اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش (به صورت مقایسه‌ای در ازدواج‌های فامیلی و غیرفامیلی) بدین شرح است (جدول شماره ۱، ۲ و ۳):

جدول شماره ۱

تعداد مصاحبه‌شونده	میانگین سن آقایان	میانگین سن خانم‌ها	تحصیلات آقایان						شغل آقایان	
			لیسانس	لیسانس فوق	لیسانس فوق	لیسانس فوق	لیسانس فوق	لیسانس فوق	کارمند	آزاد
۱۵	۲۴/۲	۲۰/۲	۲۸/۲	۲۴/۶	۲۰/۲	۲۴/۲	۲۴/۲	۲۴/۲	۱۵	غیر فامیلی
۱۵	۲۴/۷	۱۸/۶	۲۱/۴	۲۷/۴	۱۸/۶	۲۴/۷	۲۴/۷	۲۴/۷	۱۵	فامیلی

جدول شماره ۲

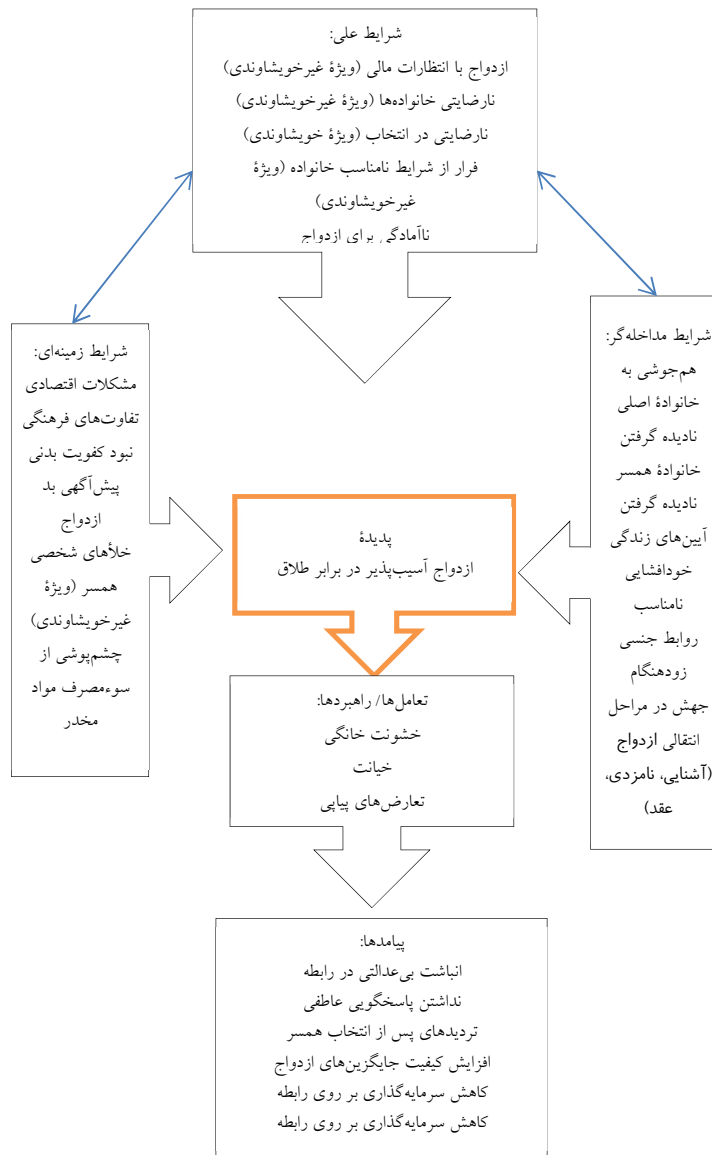
وضع فامیلی	وضع فامیلی غیر	وضع فعلی زندگی والدین خانم‌ها		وضع فعلی زندگی والدین آقایان		نسبت پدر و مادر خانم‌ها		نسبت پدر و مادر آقایان		شغل خانم‌ها			
		فوت یکی از والدین	طلاق	فوت یکی از والدین	طلاق	غریبه	فامیل	غریبه	فامیل	خانه‌دار	آزاد	کارمند	
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۲	۳	۱۴	۱	۱۳	۱	۱	غیر فامیلی
۴	۴	۱	۱	۱	۱	۱۲	۳	۱۴	۱	۱۳	۱	۱	فامیلی
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۲	۳	۱۴	۱	۱۳	۱	۱	غیر فامیلی
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۲	۳	۱۴	۱	۱۳	۱	۱	فامیلی

۷. تفاوت سنی در ازدواج‌های غیرفامیلی با میانگین ۴ سال، خانم‌ها کوچک‌تر و در ازدواج‌های فامیلی با میانگین ۵ سال و ۷ ماه، خانم‌ها کوچک‌تر بوده‌اند.
۸. در ازدواج‌های غیرفامیلی، پس از ۷ ماه جدایی از یکدیگر، اقدام به دادخواست طلاق کرده‌اند؛ ولی در ازدواج‌های فامیلی، پس از ۱۱ ماه و نیم جدایی از هم، دادخواست طلاق داده‌اند.
۹. در ازدواج‌های غیرفامیلی، ۶ زوج (۴۰ درصد) با هماهنگی یا بدون هماهنگی خانواده، دوره آشنایی داشته‌اند؛ ولی در ازدواج‌های فامیلی، ۶ درصد زوج‌ها دوره آشنایی داشته‌اند.
۱۰. در ازدواج‌های غیرفامیلی، ۳ زوج (۲۰ درصد) دوره نامزدی نداشته‌اند؛ ولی در ازدواج‌های فامیلی، ۶ زوج (۴۰ درصد) دوره نامزدی نداشته‌اند.
۱۱. در ازدواج‌های غیرفامیلی، ۲ زوج (۱۳ درصد) دوره عقد را نداشته‌اند و در ازدواج‌های فامیلی، ۴ زوج (۲۶ درصد) دوره عقد را نداشته‌اند.
۱۲. در ۵۳ درصد ازدواج‌های غیرفامیلی، هر دو زوج از زندگی گریزان بودند؛ ولی در ازدواج‌های فامیلی، ۴۶ درصد از دو زوج از زندگی گریزان بودند.
۱۳. در ازدواج‌های غیرفامیلی، ۳۳ درصد از خانم‌ها گریزان و مردان خواهان بوده‌اند و در ازدواج‌های فامیلی ۴۰ درصد خانم‌ها گریزان و مردان خواهان بوده‌اند.
- جدول ۴. چگونگی عوامل مستعدکننده طلاق

ازدواج با انتظارات مالی (ویژه غیرفامیلی)	عوامل مستعدکننده طلاق مرتبط با انتخاب
نارضایتی خانواده‌ها (ویژه غیرفامیلی)	
نارضایتی در انتخاب (ویژه فامیلی)	
فرار از اوضاع نامناسب خانواده (ویژه غیرفامیلی)	
ازدواج با وجود آماده نبودن	
انتخاب تک‌بعدی	عوامل مستعدکننده طلاق مرتبط با همسر
خلأهای شخصی همسر (ویژه غیرفامیلی)	
سوء مصرف مواد مخدر از سوی همسر	
خودافشایی نامناسب	عوامل مستعدکننده طلاق مرتبط با بافت رابطه
روابط جنسی زود هنگام	
نداشتن فرصت شناخت	
خشونت خانگی	عوامل تسریع کننده طلاق
خیانت	

تعارض‌های پیاپی	عوامل بافتی مرتبط با طلاق
دروغ‌گویی و پنهان‌کاری	
از دست رفتن خود	
مشکلات اقتصادی	عوامل مرتبط با خانواده طرفین
هم‌جوشی به خانواده اصلی	
نادیده گرفتن خانواده همسر	عوامل آیینی
نادیده گرفتن آیین‌های زندگی	
تفاوت‌های فرهنگی	عوامل زمینه‌ای
نداشتن کفویت بدنی	
پیش‌آگهی بد ازدواج	
انباشت بی‌عدالتی در رابطه	عوامل عاطفی
نداشتن پاسخگویی عاطفی	
تردید پس از انتخاب همسر	اندیشه‌پردازی در مورد طلاق
افزایش کیفیت جایگزین‌های ازدواج	
کاهش سرمایه‌گذاری بر روی رابطه	

شکل ۱. مدل مقایسه ازدواج فامیلی و غیرفامیلی «پدیده ازدواج‌های آسیب‌پذیر در برابر طلاق» زوجین متقاضی طلاق بر اساس نظریه داده‌بنیاد



بر اساس اطلاعات جمعیت‌شناختی، میانگین سن دختران با ازدواج فامیلی ۲ سال کمتر از ازدواج غیرفامیلی و در ۱۸/۵ سالگی بود که این تفاوت تأمل‌برانگیز و نشان از آمادگی نداشتن برای ازدواج و تصمیم‌گیری از سوی خانواده است. در ازدواج‌های فامیلی، هفت ماه دیرتر از غیرفامیلی‌ها پس از دوران قهری و جدایی موقت، به طلاق اقدام کرده‌اند که این نشان از تلاش خانواده‌ها برای حفظ زندگی بوده است. در ازدواج‌های غیرفامیلی، ۱۳ درصد والدین آنها ازدواجشان فامیلی بوده است؛ ولی در ازدواج‌های فامیلی، ۳۰ درصد والدینشان ازدواج فامیلی داشته‌اند که گویای باور مثبت آنان به ازدواج فامیلی است. ازدواج فامیلی در میان افرادی که والدینشان نیز ازدواج فامیلی داشته‌اند، بیشتر از افرادی است که پدر و مادرشان خویشاوند یکدیگر نیستند و سابقه فامیلی در بین والدین با ازدواج فامیلی فرزندان رابطه معناداری دارد. سابقه طلاق در خانواده‌های غیرفامیلی، ۲۳ درصد بیشتر از ازدواج‌های فامیلی است که گویای پایداری بیشتر ازدواج فامیلی است. در ازدواج‌های غیرفامیلی، ۲۶ درصد خانواده‌های آنان با این ازدواج مخالف بوده‌اند که این درصد در ازدواج‌های فامیلی، تنها ۳ درصد است که گویای این است که این ازدواج فامیلی تصمیم خانواده‌ها بوده است. در ازدواج‌های غیرفامیلی، زن و مرد صددرصد موافق این ازدواج بوده‌اند؛ ولی در ازدواج‌های فامیلی، آقایان ۴۶ درصد و خانم‌ها ۳۳ درصد مخالف این ازدواج خود بوده‌اند. تفاوت سنی زوج‌ها در ازدواج‌های غیرفامیلی با میانگین ۴ سال خانم‌ها کوچک‌تر بودند؛ ولی در ازدواج‌های فامیلی، خانم‌ها ۵ سال و ۷ ماه کوچک‌تر بودند که می‌تواند گویای این باشد که خانواده‌ها خواستار این بوده‌اند که بدون توجه به تفاوت سنی دختر و پسر، این ازدواج شکل بگیرد. ازدواج‌های غیرفامیلی پس از ۷ ماه قهری و جدایی، دادخواست طلاق داده‌اند؛ ولی متقاضیان طلاق در ازدواج فامیلی، پس از ۱۱ ماه و نیم اقدام کرده‌اند که نشان از امیدواری بیشتر برای ادامه زندگی به همراه تلاش خانواده‌ها بوده است. در ازدواج‌های غیرفامیلی، ۴۰ درصد با هماهنگی و بدون هماهنگی خانواده، دوره آشنایی داشته‌اند؛ ولی در ازدواج‌های فامیلی، دوره آشنایی برای ۶ درصد بوده است که نشان از اطمینان و اعتماد فامیلی خانواده‌ها و نبود فرصت شناخت بوده است. در ازدواج‌های غیرفامیلی، ۲۰ درصد دوره نامزدی نداشته‌اند؛ ولی این درصد در ازدواج‌های فامیلی، ۴۰ درصد بوده است که متأسفانه خانواده‌های فامیل اجازه دوره‌های نامزدی را نمی‌دادند. در ازدواج‌های غیرفامیلی، ۱۳ درصد دوره عقد را نداشته‌اند؛ ولی در ازدواج‌های فامیلی، ۲۶ درصد این دوره عقد را تجربه نکرده‌اند که نشان از خاطر جمعی اولیا و تصمیم آنان بوده است. در ازدواج‌های

غیرفامیلی، در هنگام دادخواست طلاق، ۵۳ درصد هردو زوج گریزان از زندگی بوده‌اند؛ ولی در فامیلی‌ها ۴۶ درصد هردو نفر گریزان بوده‌اند که باز می‌توان استنباط کرد به دلیل فامیل بودن به آسانی برای جدایی مصمم نمی‌شوند.

نتیجه‌گیری

هدف کلی از پژوهش حاضر مقایسه فرایند انتقالی ازدواج (آشنایی، نامزدی و عقد) در ازدواج‌های فامیلی و غیرفامیلی است. منظور از ازدواج‌های فامیلی، ازدواج نوه‌های پسری و دختری پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها با یکدیگر است؛ به بیان دیگر ازدواج پسرعموها با دخترعموها، پسرخاله‌ها با دخترخاله‌ها، پسرداری با دخترعمه و پسرعمه با دختردایی است. لازم به ذکر است که تلاش پژوهشگر بر این بود که در ارتباط با همه داده‌ها، پژوهش‌های همسو آورده شود؛ ولی متأسفانه به دلیل انجام نشدن پژوهش با این موضوع و حتی مشابه آن، به اطلاعات اندکی دست یافته شد. در ارتباط با مقایسه تجربه‌های زیسته دو گروه از فرایند آشنایی، نامزدی و عقد که پس از تحلیل مصاحبه‌ها و کدگذاری مقوله‌ها و استخراج هسته مرکزی با عنوان «پدیده ازدواج آسیب‌پذیر در برابر طلاق» حاصل شد که به شکل مقایسه‌ای مورد بحث قرار می‌گیرد.

الف) در ارتباط با شرایط علی و با مقوله عوامل مستعدکننده طلاق مرتبط با انتخاب، در ازدواج‌های غیرفامیلی شش زوج با انتظارات مالی، صاحب‌خانه شدن، موقعیت همسر و صاحب شغل شدن وارد این رابطه شده‌اند؛ ولی در ازدواج‌های فامیلی، هیچ مصاحبه‌شونده‌ای به این موضوع اشاره‌ای نداشته است که در تأیید این اظهارات در تحقیقی مرتبط آمده است امروزه که خیل عظیمی از جوانان با مشکل بیکاری، مسکن و مسائل اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، انتخاب و گزینش از میان خویشاوندان، فرایند ازدواج را برای آنها آسان می‌کند و آنان را در ادامه زندگی از حمایت خانواده برخوردار می‌کند. در ارتباط با نارضایتی خانواده‌ها در ازدواج‌های غیرفامیلی، این موضوع کاملاً مشهود بود که پنج مراجعه‌کننده مخالفت خانواده‌ها را تأیید کردند؛ ولی در ازدواج فامیلی، خانواده‌ها صددردرصد راضی بودند. در ازدواج‌های فامیلی به علت مثبت‌اندیشی به ازدواج فامیلی با آمار دوازده خانواده، این ازدواج تصمیم و تحمیل خانواده بوده و فرزندان به علت ناتوانی در مقاومت، تسلیم می‌شدند که در نتایج پژوهش‌های هم‌راستا آمده است هر قدر استقلال فرد در انتخاب همسر کمتر باشد، احتمال ازدواج فامیلی بیشتر است؛ یعنی افرادی که خود

همسرشان را انتخاب می‌کنند، به احتمال قوی با غیرخویشاوند ازدواج می‌کنند (ر.ک: محمودیان و همکاران، ۱۳۹۴). پدرها و مادرها باید با خصوصیات و ویژگی‌های شخصیتی و افکار و عقاید فرزندان‌شان به خوبی آشنا باشند و برای فرزندان‌شان همسر انتخاب کنند، نه برای خودشان (ر.ک: ساداتیان و همکاران، ۱۳۸۹). در ارتباط با موضوع ازدواج با هدف فرار از شرایط نامناسب و فشارها و کمبود محبت‌ها و به دنبال همدرد و حامی بودن، این موضوع مورد تأکید شش زوج از مصاحبه‌شوندگان بود که در ازدواج‌های فامیلی، هیچ کدام از زوجین به این دلیل اشاره نداشته‌اند. با توجه به اینکه از عوامل علی موفقیّت در ازدواج، آمادگی لازم برای ازدواج است، این موضوع به طور جدی مورد اشاره هشت زوج از خانم‌های ازدواج فامیلی بود که هیچ آمادگی سنی، تحصیلی و شناخت از جنس مخالف نداشته‌اند و به‌ناچار تصمیم‌گیری را به خانواده واگذار کرده‌اند؛ ولی در ازدواج‌های غیرفامیلی، هشت زوج بیان داشتند که تصمیم‌ها با ملاک‌های احساسی شخص خودشان بوده است. با وجود اینکه برای ازدواج پایدار، ملاک‌های متفاوت در کنار یکدیگر تکمیل‌کننده تصمیم هستند؛ ولی در ازدواج‌های غیرفامیلی، پنج زوج تأکید داشتند ملاک آنها جذابیت ظاهری بوده است؛ ولی در ازدواج‌های فامیلی، چون انتخاب خودشان نبوده است، هشت زوج اشاره داشتند که به ظاهر ایشان بی تفاوت بوده‌ایم که در نوشته‌های همسو ذکر شده در شرایطی که عموزاده‌ها از دوران کودکی در خانواده‌های پدربزرگی با هم زندگی کرده‌اند و در دوران نوجوانی نیز احساس خواهر و برادری در برابر یکدیگر بر فکر و ذهن و روان ایشان سایه افکنده است و هیچ‌گونه نگرش امکان زوجیت و زندگی زناشویی میان ایشان وجود ندارد، شایسته نیست بر پیوند ازدواج آنها اصرار داشته باشیم؛ مگر اینکه پیش‌تر زمینه رویش چنین احساسی در ایشان فراهم شود (ر.ک: افروز، ۱۳۸۹).

ب) در ارتباط با شرایط زمینه‌ای مستعدکننده طلاق می‌توان به موضوع سوء مصرف مواد مخدر اشاره کرد که در زوجین غیرفامیلی، ده زوج گرفتار سوء مصرف انواع مواد مخدر و مشروبات الکلی بودند؛ ولی در ازدواج‌های فامیلی این موضوع در سه مورد به این موضوع اشاره شده بود که دلیل آن می‌تواند شناخت‌های قبلی یا شرمندگی ناشی از اطلاع یافتن خانواده‌های مشترک و فامیل باشد. موضوع دیگر از شرایط زمینه‌ای مشکلات اقتصادی که هر دو گروه فامیلی و غیرفامیلی در حدی یکسان، گرفتار استقلال نداشتن در تأمین هزینه‌های

زندگی و مشکلات پیرامونی آن بوده‌اند. در ارتباط با تفاوت‌های فرهنگی، زوجین غیرفامیلی تفاوت‌های مشکل‌ساز را نادیده می‌گرفتند؛ ولی در ازدواج‌های فامیلی به تفاوت‌های فرهنگی و اعتقادی، تعصب نشان می‌دادند و محدودیت ایجاد می‌کردند که این موضوع در مقایسه دو گروه می‌تواند متأثر از نوع انتخاب باشد که وقتی زوجین غیرفامیلی با انتخاب خودشان ازدواج کرده‌اند، ناگزیر تفاوت‌ها را نادیده می‌گیرند و برعکس در ازدواج‌های فامیلی، چون این ازدواج انتخاب خودشان نبوده است، در برابر تفاوت‌ها واکنش نشان می‌دهند. عامل زمینه‌ای دیگر نداشتن کفویت‌های بدنی است که در هر دو گروه، بداحساسی و ناهمخوانی ظاهری در ادامه زندگی تقویت می‌شود و مشکلاتی را ایجاد می‌کند. در ارتباط با آخرین شرایط زمینه‌ای که پیش‌آگهی‌های بد ازدواج است که این عامل زمینه‌ای در دو گروه به شکل کاملاً متفاوت بروز داده می‌شد که در ازدواج‌های فامیلی با نبود احساس دوسویه، قهر و آشتی‌های پیاپی، به دل‌ننشستن ظاهر، تسلیم جنسی نشدن و خاطرات منفی نامزدی خودش را نشان می‌داد؛ ولی این پیش‌آگهی بد در ازدواج غیرفامیلی از طریق خانواده‌ها با حمایت آنان از طلاق ابراز می‌شد که در تأیید اظهارات مراجعان در نتایج تحقیقی همسو آمده است. از سوی دیگر در ازدواج‌های غیرفامیلی به دلیل سازگاری و تفاهم بیشتر میان زوجین که نشان از روابط پیش از ازدواج دارد، توانایی درک چیزها بین زوجین بالاتر است (ر.ک: حسینی دستجردی و همکاران، ۱۴۰۰).

ج) در ارتباط با شرایط مداخله‌ای مستعدکننده آسیب‌پذیری در برابر طلاق، یک عامل خودافشایی نامناسب است که در ازدواج‌های غیرفامیلی، مسئله اصلی خودافشایی از روابط عاطفی و جنسی پیش از ورود به این زندگی است؛ اما این خودافشایی در ازدواج‌های فامیلی درباره تفاوت‌های رفتاری و شخصیتی قبل و بعد از عقد است و ارتباطی با بدبینی‌های گذشته ندارد. دیگر شرایط مداخله‌ای روابط جنسی زودهنگام است که در ازدواج‌های غیرفامیلی به علت احساسی بودن در انتخاب، یازده نفرشان روابط جنسی زودهنگام و خارج از عرف را داشته‌اند؛ ولی این روابط در ازدواج‌های فامیلی، سه مورد بوده است. جهش در مراحل انتقالی ازدواج (آشنایی، نامزدی و عقد) نادیده گرفته شدن این مراحل از مشکلات اصلی ازدواج‌ها در جامعه امروز است که این موضوع در مقایسه دو گروه در ازدواج‌های فامیلی کاملاً نادیده گرفته شده است که در ازدواج‌های فامیلی، ده زوج هیچ‌گونه ایامی برای آشنایی نداشته‌اند و هفت زوج دوره نامزدی آنها نیز از یک تا سه هفته بوده و سه زوج حتی دوران عقد نداشته‌اند که در تحقیقی در تأیید این موارد بیان

شده است که دختر و پسر اگر در همان جلسات اول کشش نسبتاً خوبی به هم نداشتند، موضوع پایان داده شود. هیچ فشار و اجباری از سوی خانواده‌ها و جامعه برای ازدواج زودتر از شش ماه و ترجیحاً دوازده ماه آشنایی و نامزدی وجود نداشته باشد (ر.ک: ساداتیان و همکاران، ۱۳۸۹). در ارتباط با موضوع میزان هم‌جوشی با خانواده اصلی در ازدواج‌های فامیلی، پس از ازدواج، دخالت خانواده اصلی کمتر و استقلال آنان در تصمیم‌گیری بیشتر است. در نتایج پژوهشی همسو بیان شده است در ازدواج فامیلی، ارتباط عروس با خانواده شوهر عادی‌تر به نظر می‌رسد که این امر می‌تواند سبب سازگاری بیشتر زوجین در ازدواج فامیلی شود؛ به عبارتی ازدواج فامیلی باعث ارتباط نزدیک‌تر زن و شوهر و رابطه عروس و مادرشوهر و پایداری بیشتر خانواده می‌شود (ر.ک: حسینی دستجردی و همکاران، ۱۴۰۰)؛ اما در ازدواج‌های غیرفامیلی، دخالت خانواده‌های مبدأ بیشتر است که این موضوع متأثر از نوع انتخاب است که به نوعی تأثیرگذار است. آخرین شرط مداخله‌ای آسیب‌پذیری طلاق نادیده گرفتن آیین‌های زندگی همچون جشن‌ها، هدایا و خریدهاست که در ازدواج‌های غیرفامیلی، شش مورد از مراجعان در این رابطه مشکلات جدی را بیان داشتند که در ازدواج‌های فامیلی فقط یک مورد به این موضوع اشاره داشت که می‌توان گفت چون در ازدواج‌های فامیلی، انتخاب‌گر خانواده‌ها بوده‌اند، مسئولیت آیین‌های فرایند انتقالی را پذیرا بوده‌اند که در تحقیقات همسو آمده است که در ازدواج‌های فامیلی از برخی اختلافات اقتصادی و اجتماعی که در صورت ازدواج غیرفامیلی احتمال دارد پیش بیاید، پیشگیری می‌شود و مراسم ازدواج‌ها معمولاً ساده‌تر برگزار می‌شود (ر.ک: ژیان و همکاران، ۱۳۹۵). ازدواج فامیلی می‌تواند از هزینه سنگین جهیزیه بکاهد و باعث نادیده گرفتن این موارد شود (ر.ک: دواتی و همکاران، ۱۳۸۸).

د) در این قسمت به راهبردها یا راه‌حل‌هایی پرداخته شده که برای رویارویی با آسیب‌پذیری ازدواج در پیش می‌گرفتند که چگونه به ادامه زندگی پایان دهند. این با مقوله «عوامل تسریع‌کننده طلاق» پس از شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌ای که بر آسیب‌پذیری اثر می‌گذارند، اشاره دارد. یکی از این راهبردها خشونت‌های خانگی نام گرفت که در هر دو گروه، این خشونت‌ها از قبیل ضرب و شتم، خشونت‌های کلامی، بدبینی، ایجاد محدودیت با خانواده اصلی و وارد کردن آسیب‌های پرخطر به خود به‌وفور اتفاق می‌افتاده است تا اینکه خود و خانواده به آسیب‌پذیری ازدواجشان متقاعد شوند و به

عبارتی میوه طلاق آنان کمال نباشد؛ اما نکته تأمل برانگیز در مقایسه ازدواج فامیلی و غیرفامیلی در ارتباط با خشونت‌های خانگی این است که در ازدواج‌های فامیلی، بروز خشونت‌ها دوسویه بوده است؛ اما در ازدواج‌های غیرفامیلی، راهبرد مدنظر خانم‌ها تلاش برای حفظ زندگی بوده است و تحمل ضرب و شتم بدون پیگیری و اظهار آن و پنهان کردن آن از خانواده اصلی را روش خود انتخاب کرده بودند که دلیل این تفاوت را می‌توان در ازدواج‌های غیرفامیلی، اثبات درست بودن انتخابی که خودشان داشته‌اند، تصور کرد و در ازدواج‌های فامیلی، تعهد نداشتن به خاطر انتخاب نکردن خودشان بیان داشت. راهبرد تخریب‌گر دیگر زندگی، خیانت‌های جنسی و عاطفی بود که در ازدواج‌های فامیلی به سه مورد اشاره شده بود؛ ولی در ازدواج‌های غیرفامیلی بیش از ده نفر این موضوع برای آنها آزاردهنده بوده که دلیل بر سلامت زوجین در ازدواج فامیلی را می‌توان ازدواج در سن پایین و رعایت شأن خود نزد خانواده همسر که فامیل است، بیان کرد که در پژوهش همسو بیان شده است یکی از دلایل انتخاب همسر از میان خویشاوندان و نزدیکان، داشتن اعتماد بیشتر است (ر.ک: محمودیان و همکاران، ۱۳۹۴). تعارض‌های پیاپی از راهبردهای دیگر زوجین برای پایان دادن به این انتخاب بود که در ازدواج‌های غیرفامیلی، نادیده گرفتن مشکلات و تکرار راه‌حل‌های اشتباه با امید به بهبود زندگی با فراوانی نه نفر بیان شد که برای دلیل آن می‌توان بیان داشت از آنجا که مسئولیت این انتخاب را خود بر عهده داشتند، خودشان را بیشتر به حفظ زندگی متعهد می‌دانستند؛ اما این تعهد در تعارضات فامیلی، در اظهارات کمتر بیان شده بود. راهبرد دیگر دروغ‌گویی و پنهان‌کاری در تعاملات زوجین بود که فراوانی پنهان‌کاری‌ها و پوشش دادن به اشتباهات در ازدواج‌های فامیلی بیشتر آشکار بود که این موضوع را می‌توان ناشی از حفظ احترام خود نزد فامیل و حفظ روابط خانواده‌های مبدأ دانست که پژوهش همسو بیان داشته است دلیل دیگر شاید امکان جلب حمایت اجتماعی خویشاوندان در این رابطه باشد (ر.ک: محمودیان و همکاران، ۱۳۹۴). ولی می‌توان استنباط کرد زوجین غیرفامیلی نیازی به رفتارهای پوششی نداشتند و آشکار شدن رفتارها زودتر آنان را به پایان رابطه می‌رساند. آخرین راهبرد تسریع‌کننده طلاق که راهبردی متناقض است، کوتاه آمدن و امتیاز دادن خانم‌ها در برابر همسر برای حفظ زندگی بوده است که در ازدواج‌های فامیلی، ابراز خشونت، ایجاد محدودیت تحصیلی و شغلی، سختگیری در پوشش از سوی مردها بسیار بیشتر بوده و خانم‌ها در ازدواج فامیلی،

ظرفیت پایین آوردن انتظار را برای حفظ زندگی از جمله صرف نظر کردن از تحصیل و شغل، کوتاه آمدن در تعارض‌ها و پذیرش محدودیت‌ها از خود نشان می‌دادند که در تأیید این موضوع بیان شده است همچنین در ازدواج‌های فامیلی در تقویت ارتباطات فامیلی، شناخت بیشتر طرفین و انتظارات کمتر مؤثر است (ر.ک: ژیان و همکاران، ۱۳۹۵).

ه) آخرین شرط از تدوین الگوی پارادایمی شرایط پیامدی است که با بروزشان، اطمینان آنان به تصمیمشان تقویت می‌شد که شرایط پیامدی در دو بخش «عوامل عاطفی» و «اندیشه‌پردازی در مورد طلاق» نام‌گذاری شدند. در ارتباط با عوامل عاطفی انباشت بی‌عدالتی در رابطه آنان بود که تفاوتی در فراوانی اظهارات وجود نداشت. موضوع دوم از مقوله عوامل عاطفی، نبود پاسخ‌گویی عاطفی در میان زوجین بود که در زوجین غیرفامیل به آسانی یکدیگر را از ابراز عواطف متقابل محروم می‌کردند که در هشت مورد در اظهارات به آن اشاره شده بود؛ اما در ازدواج‌های فامیلی به علت وجود روابط خانوادگی و فامیلی و تردید بیشتر برای تصمیم به طلاق، عواطف خود را به یکدیگر ابراز می‌داشتند. اندیشه‌پردازی در مورد طلاق مقوله دیگر پیامدی نام گرفت که تردیدهای پس از انتخاب همسر بود که این تردیدها در زوجین فامیلی زودتر و با فراوانی بیشتری در اظهارات بیان می‌شد که متأثر از انتخاب نکردن خود بوده است. افزایش کیفیت‌های جایگزین، پیامد دیگری است که در هر دو گروه وجود داشت؛ اما در ازدواج‌های فامیلی به علت وابستگی خانوادگی به یکدیگر از ظاهر شدن رفتارهای جایگزین صرف نظر می‌شد. آخرین پیامد، کاهش سرمایه‌گذاری بر روی روابط نامیده شد که تفاوتی در رفتارهای کاهش‌دهنده روابط در دو گروه محسوس نبود و هر دو گروه نه تنها تلاشی را برای حفظ وضع موجود نمی‌کردند؛ بلکه سرمایه‌گذاری را تا ارائه دادخواست طلاق به صفر رساندند.

در پایان می‌توان نتیجه گرفت ازدواج پدیده‌ای چندوجهی بوده و اگر آمادگی‌های بلوغ در جنبه‌های گوناگون، آمادگی شخصی و خانوادگی در کنار هم لحاظ شود، می‌توان ازدواجی با استحکام و پایدار را پیش‌بینی کرد. در مقایسه بین دو نوع ازدواج، هر کدام آسیب‌پذیری خاص خود را دارند و اگر در ازدواج‌های فامیلی، پس از کسب آمادگی سنی، تحصیلی، استقلال در تصمیم‌گیری، انتخاب با تصمیم خود و به دل نشستن و از سوی اولیا نیز انتخاب همسر برای فرزند باشد و نه خود، سپس فرایند انتقالی، آشنایی، نامزدی و عقد بدون تعصبات خانوادگی لحاظ شود و پیش‌آگاهی‌های بد ازدواج در گذر

از این مراحل مورد تأمل و توجه قرار گیرد، می‌توان دوام و استحکام بسیار بالا و کمترین آسیب‌پذیری را پیش‌بینی کرد و اگر تصمیمی مغایر این گرفته شود و پیش‌آگاهی‌های بد ازدواج از همان بدو امر خودنمایی کند، بهترین زمان است که با کمترین هزینه‌های روانی، اجتماعی و مادی وارده به زوجین و خانواده‌ها به رابطه پایان داد. در ازدواج‌های غیرفامیلی نیز که عموماً تصمیمی احساسی دوسویه، با لحاظ نکردن رضایت و تجربه‌های خانواده محقق می‌شود، اگر اولیا بتوانند پس از بی‌نتیجه بودن نارضایتی‌ها، مخالفت را به حمایت تبدیل کنند و ضمن آرزوی خوشبختی، ادامه رابطه آنها را در فرایند انتقالی مدیریت نمایند و در صورت بروز پیش‌آگاهی‌های بد ازدواج در هر کدام از این مراحل، آنها را جدی قلمداد کنند و در همان مرحله برای پیشگیری و تدبیر مناسب‌تر، متوقف نمایند، ادامه رابطه با آسیب‌پذیری کمتر و بازگشت از این مسیر با هزینه‌های چندجانبه کمتر خواهد بود. ازدواج‌های فامیلی اگر همراه با انتخاب زوجین و حساسیت خانواده و توقف زمانی در هر یک از مراحل انتقالی با لحاظ کردن پیش‌آگاهی‌های بد مدیریت شود، در مقایسه با ازدواج‌های غیرفامیلی می‌توان ازدواجی با کمترین آسیب و استحکام همراه با رضایت و خوشبختی را پیش‌بینی کرد.

پیشنهادهایی به خانواده‌ها و زوجین ازدواج‌های فامیلی

۱. در ازدواج فامیلی، انتخاب همسر حداقل با مشارکت فرزند باشد؛ نه انتخاب برای فرزند مشابه انتخاب برای خود.
۲. تفاوت‌های معنادار سنی، تحصیلی، ظاهری و بی‌احساسی مانع از این تصمیم شود.
۳. وابستگی مادی و نداشتن استقلال در تأمین هزینه‌های زندگی که در آغاز راه به علت شوق خانواده، نادیده گرفته می‌شود، یکی از مشکلات با فراوانی بالا بود که والدین حمایت آغازین را داشته‌اند و در ادامه زندگی، دست از حمایت آنان برداشته‌اند و این مشکلات زندگی آنان را در معرض آسیب قرار داده است.
۴. آمادگی سنی، تحصیلی، میل به ازدواج، شناخت ویژگی‌های جنس مخالف، رسش و پختگی در جنبه‌های گوناگون بلوغ و احساس دوسویه مورد توجه جدی قرار گیرد.
۵. در انتخاب همسر با مشارکت فرزند، توجه به فرایندهای انتقالی با حداقل شش ماه تا یک سال مورد توجه قرار گیرد و جهش و میان‌بردن فرایند انتقالی آسیب‌زا خواهد بود.
۶. فامیل بودن دلیل بر اعتماد کامل نیست. در میان مراجعان فامیلی، تنوعی از مشکلاتی

همچون سوء مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی، خیانت‌های عاطفی، تفاوت‌های فرهنگی، ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی، وابستگی عاطفی به خانواده مبدأ، خشونت‌های کلامی و فیزیکی، بددهنی، خودزنی، دروغ‌گویی و پنهان‌کاری، بداحساسی، بی‌احساسی و نبود احساس دوسویه به فراوانی بیان می‌شود.

۷. در صورت مشاهده پیش‌آگهی‌های بد ازدواج و خودافشایی‌های نامناسب در هر کدام از مراحل انتقالی (آشنایی، نامزدی و عقد) در همان مرحله، متوقف و تدابیر لازم با همکاری مشاوران ازدواج اندیشیده شود.

رفتارهایی همچون اندیشه‌پردازی در مورد طلاق، بیان تردیدها پس از انتخاب، بی‌توجهی به روابط، رفتارهایی جایگزین همسر و پاسخگو نبودن به عواطف مورد توجه خانواده مبدأ و زوجین قرار گیرد و با توقف در همان مرحله، با مشاوران ازدواج، تصمیم مناسب گرفته شود.

مشارکت

مقایسه‌النگوی مشاوره پیش از ازدواج در ازدواج‌های فامیلی و غیرفامیلی براساس
کاوش نشانه‌های طلاق در اولین دوره‌های انتقالی زندگی (آشنایی، نامزدی و عقد)

منابع و مآخذ

۱. افروز، غلامعلی؛ مبانی روان‌شناختی ازدواج در چارچوب فرهنگ و ارزش‌های اسلامی؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
۲. امراللهی، ریحانه و رسول روشن‌چلسی و محمدرضا شعیری و امیر نیک‌آذین؛ «تعارض زناشویی، رضایت زناشویی و رضایت جنسی: مقایسه زنان با ازدواج‌های فامیلی و غیرفامیلی»؛ دو فصلنامه روان‌شناسی بالینی و شخصیت، دوره ۲۰، ش ۸، ۱۳۹۲، ص ۱۱-۲۲.
۳. حسینی دستجردی، مریم و حسین شیبانی؛ «مقایسه همدلی در ازدواج‌های فامیلی و غیرفامیلی»؛ اولین کنفرانس مطالعات کاربردی در فرایند آموزش، دانشگاه هرمزگان، ۱۴۰۰.
۴. درخش، علی و خالد اصلانی و امین کرایه؛ «توسعه قابل‌اعتماد الگوی ازدواج موفق در پژوهش کیفی»؛ فصلنامه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۱۰، ش ۱، بهار ۱۳۸۹، ص ۷۳-۹۷.
۵. دواتی، علی و فرهاد جعفری و ناهید خلدی و محمد صداقت؛ «بررسی فراوانی ازدواج فامیلی در شهر تهران و عوامل مرتبط با آن»؛ مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان، دوره ۱۰، ش ۴، تابستان ۱۳۸۸، ص ۲۸۷-۲۹۴.
۶. ژیان، فرهاد و شکوه نوابی‌نژاد و صمد عظیمی گروسی؛ «بررسی رابطه رضایت جنسی و سازگاری زناشویی در معلمان متأهل دارای ازدواج فامیلی و غیرفامیلی»؛ فصلنامه خانواده و پژوهش، ش ۲۷، بهار ۱۳۹۵، ص ۲۷-۳۹.
۷. ساداتیان، اصغر و مهیار آذر؛ معیارهای انتخاب همسر؛ تهران: ما و شما، ۱۳۸۹.
۸. طباطبایی، فرزاد؛ «ازدواج فامیلی»؛ در: <https://honarezendegi.com>
۹. گلزاری، محمود و محمدرضا کمان؛ «الگوی انتخاب ازدواج در مشاوره قبل از ازدواج گام‌به‌گام از قرار تا انتخاب»؛ مجموعه مقالات نهمین همایش ملی روشنگری، خانواده و تربیت جنسی، اردیبهشت ۱۳۹۴، ص ۷۱-۹۰.
۱۰. محمودیان، حسین و سراج‌الدین محمودیانی و سهیل شهریاری؛ «ازدواج فامیلی، اختلاف بینسلی و عوامل حمایت‌کننده آن در کرمانشاه»؛ مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۴، ش ۱، بهار ۱۳۹۴، ص ۱۴۵-۱۶۶.
11. Antfolk, J. & D. Lieberman & A. Albrecht & P. Santtila; "The Self-Regulation Effect of Fertility Status on Inbreeding Aversion: When Fertile, Disgust

- Increases more in Response to Descriptions of One's own than of others' Inbreeding"; *Evolutionary Psychology*, 2014, v.12 (3), pp.14-24.
12. Bittles, A. H.; "Consanguinity and its Relevance to Clinical Genetics"; *Clinical Genetics*, 2001, v.60 (2), pp.89-98.
 13. Bradbury, T. N. & F. D. Fincham & S. R. Beach; "Research on the Nature and Determinants of Marital Satisfaction: A Decade in Review"; *Journal of Marriage and Family*, 2000, v.62 (4), pp.964-980.
 14. Brown, S. L. & M. R. Wright; "Marriage, Cohabitation, and Divorce in Later Life"; *Innovation in Aging*, 2017, v.1 (2), pp.1-15.
 15. Buunk, A. P.; "All in the Family: Attitudes Towards Cousin Marriages Among Young Dutch People from Various Ethnic Groups"; *Evolution, Mind and Behaviour*, 2017, v.15 (1), pp.1-15.
 16. Esterberg, K. G.; "Qualitative Methods"; *Social Research*. Boston, MA. Mcgraw Hill, 2002.
 17. Hamamy, H., & A. H. Bittles; "Genetic Clinics in Arab Communities: Meeting Individual, Family and Community Needs"; *Public Health Genomics*, 2009, v.12 (1), pp.30-40.
 18. Islam, M. M. & F. M. Ababneh & M. H. R. Khan; "Consanguineous Marriage in Jordan: an Update. "; *Journal of Biosocial Science*, 2018, v.50 (4), p.573.
 19. Khalajabadi Farahani, F., & J. Cleland; "Perceived norms of premarital heterosexual relationships and sexuality among female college students in Tehran"; *Culture, health & sexuality*, 2015, v.17 (6), pp.700-717.
 20. Mazharul Islam, M.; "Consanguineous Marriage in Oman: Understanding the Community Awareness about Congenital Effects of and Attitude Towards Consanguineous Marriage"; *Annals of Human Biology*, 2017, v.44 (3), pp.273-286.
 21. Olmstead, S. B. & R. W. Blick, & L. I. Mills; "Helping couples work toward the forgiveness of marital infidelity: Therapists' perspectives"; *The American Journal of Family Therapy*, 2009, v.37 (1), pp.48-66.
 22. Raley, R. K. & , M. M. Sweeney; "Divorce, Repartnering, and Stepfamilies: A Decade in Review"; *Journal of Marriage and Family*, 2020, v.82 (1), pp 81-99.

23. Rahmati, A. & H. Bahrami Nejad; "Signs of Divorce Before Marriage"; The Role of Premarital Events in Iran, 2019.
24. Sandridge, A. L. & J. Takeddin & E. Al-Kaabi & Y. Frances; "Consanguinity in Qatar: Knowledge, Attitude and Practice in a Population Born between 1946 and 1991"; Journal of Biosocial Science, 2010, v.42 (1), p.59.
25. Schramm, D. G. & E. H. Becher; "Common Practices for Divorce Education"; Family Relations, 2020, v.69 (3), pp.543-558.
26. Strauss, A. & J. Corbin; "Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory (2nd ed.) "; 1998 Thousand Oaks, CA: Sage.